

گفت‌وگوی صبا با سید احسان عمادی
کارگردان مستند فرار از قصر

مواجهه با تاریخ و سیاست از دریچه انسانی

سید احسان عمادی نویسنده و کارگردان
مستند «فرار از قصر» رویداد تاریخی فرار رهبران
حزب توده از زندان قصر را انتخاب کرده و یک
مستند تاریخی-سیاسی ساخته که در خلال آن می‌توان به جزئیاتی
که سال‌های دور از چشم‌ها پنهان مانده پی برد. در ادامه گپ و گفت
خبرنگار صبا با این کارگردان را می‌خوانید.

مریم عظیمی
گفت و گو



نبوده‌ام ندارم. در عین حال این کامنت را هم از بسیاری از بینندگان فیلم گرفته‌ام که موقع تماشای آن احساس جانبداری نکردیم. این حس ناشی از همان فاصله درست راوی یا فیلمساز از سوژه‌اش است. اینکه احساس نمی‌کنید سازنده می‌خواهد موضع خود را به شما تلقین کند و به جای تان تصمیم بگیرد. متأسفانه در سال‌های اخیر هم در داخل هم در خارج از کشور، انبوهی مستندهای به اصطلاح «جانبدارانه» و گاه پروپاگاندا ساخته شده که بعضاً حتی سفارشی از یک نهاد قدرت برای ساخت فیلم داشته‌اند. این نوع مستندها از ابتدا با یک «جواب» ساخته می‌شوند. یعنی جوابی از قبل دارند و می‌خواهند برایش راه‌حلی پیدا کنند. گزاره‌ای را به عنوان حقیقت قطعی پذیرفته و صرفاً در حال جمع‌آوری نشانه‌ها و شواهدی در تاریخ برای اثبات آن ادعا هستند. مستندهایی که از اول به این هدف ساخته می‌شوند تا یک طرف ماجرا را بگویند و دیگری را ستایش کنند. در حالی که ساخت مستند، باید با پرسشی آغاز شود و فیلمساز پاسخی که به آن رسیده و مسیری را که برای رسیدن به آن پاسخ طی کرده، با ما به اشتراک بگذارد. حال ما می‌توانیم با آن جوابش موافق یا مخالف باشیم یا قسمت‌هایی از آن را نپذیریم و نقد کنیم.

در مورد مرحله تحقیق این مستند برای مان بگوئید و اینکه چه محدودیت‌ها و چالش‌هایی داشتید؟

در مستند تاریخی ما چند شکل تحقیق در پیش رو داریم. یک بخش پژوهش تصویری است که باید در بین عکس‌ها و تصاویرها بگردید و اطلاعات مورد نیازتان را پیدا کنید. بخش دیگرش پژوهش بین اسناد، کتاب‌ها، روزنامه‌ها و خاطرات و این قبیل مستندات مکتوب است. بخشی دیگر تحقیق میدانی و گفت‌وگو با افراد مختلف است که در این فیلم تحقیق میدانی خاصی نداشتیم، به این علت که من (شاید بنا به سلیقه شخصی) اصرار دارم تا حد ممکن سراغ کسانی بروم که شاهد دست اول یا دست دوم اتفاق بوده‌اند، یعنی یا ماجرا را از نزدیک دیده‌اند یا آن را مستقیماً از شاهد دست اول شنیده‌اند. البته

با حس شکست یا پشیمانی روزگار گذراندن، سرنوشت‌هایی است که در زندگی این پنج فراری و کسانی که همراهشان بودند دیده می‌شد. کسانی که یک اتفاق موفقیت‌آمیز تاریخی را رقم می‌زنند و در ادامه عاقبت تلخی در انتظارشان است. این مسئله آنقدر برایم جالب بود که دوست داشتم به طریقی ماجرای فرار را به چند دهه داستان زندگی فراری‌ها گره بزنیم و از دریچه آن شب به برش‌های کوتاهی از تاریخ حزب توده و اعضای مهم آن بپردازیم تا حداقل احساسی نسبت به کلیت آنها پیدا کنیم. این موضوع برایم بسیار وسوسه‌کننده بود و در ادامه فیلمنامه، روایت و لحن تدوینی مستند همه از دل آن به دنیا آمد.

نکته‌ای که در مورد مستندهای تاریخی سیاسی حائز اهمیت است نوع نگاه سازنده اثر و بی‌طرفی نگاه اوست. آیا شما در این اثر تلاش کردید که این نگاه بی‌طرفانه را داشته باشید؟

به نظر من بی‌طرفی در ساختن مستند نه ممکن است و نه مطلوب. یعنی شما هم نمی‌توانید مستند بی‌طرفی بسازید و اگر به فرض محال هم بتوانید، کاری نکرده‌اید که جای دفاع یا افتخار داشته باشد. هر اثر هنری از جمله مستند تاریخی، به نوعی بیانگر موضع صاحب آن اثر نسبت به موضوع اثرش است. یعنی کسی که این مستند را می‌بیند باید موضع احسان عمادی فیلمساز را نسبت به آن رویداد و دوره تاریخی و آدم‌هایی که در آن دخیل بوده‌اند بفهمد. این ژستی که در این سال‌ها باب شده که «ما مستند بی‌طرف می‌سازیم و قضاوت را به مخاطب واگذار می‌کنیم» به نظر من به کلی غلط و ناشی از یک تلقی اشتباه از مفهوم بی‌طرفی نسبت به تاریخ داشتن است. چیزی که در روایت یک مستند تاریخی اهمیت دارد، فاصله درست صاحب اثر از سوژه و موضعش است. طوری که مخاطب در عین حال که نظر سازنده را می‌فهمد، جایی هم برای برداشت و قضاوت شخصی خودش نسبت به موضوع داشته باشد. من در فیلم‌هایم تلاش کرده‌ام تا حدی که بلد بوده‌ام این کار را بکنم و ترس یا ابایی از اینکه بگویم آدم بی‌طرفی

ایده اولیه شروع این پروژه چگونه شکل گرفت؟

ورود ما به این پروژه خیلی تصادفی و از دریچه سینمایی-داستانی بود نه تاریخی-سیاسی. من شخصاً ماجرای فرار رهبران حزب توده از زندان قصر را نمی‌دانستم. آقای حسام اسلامی تهیه‌کننده فیلم که چند سالی است با هم کار می‌کنیم و دیگر با هم رفیق شده‌ایم این مسئله را با من مطرح کرد. البته آن موقع خودشان هم جزئیاتی از قصه این فرار نمی‌دانستند. فرار از زندان همواره قصه جذابی است و تصمیم گرفتیم فیلمی درباره این فرار بسازیم. البته از زمان طرح این ایده تا وقتی وارد پروسه تحقیق و ساخت شدیم هشت سالی طول کشید. در این مدت این ایده همواره گوشه ذهن ما بود. ضمن این که من هم تحقیقاتی طی این سال‌ها انجام داده بودم. در تحقیقات به این نکته رسیدم که افراد بسیار مهمی در این فرار حضور داشته‌اند که زندگی هر کدامشان بسیار جالب توجه بود. حتی زندگی افرادی که در حاشیه این داستان حضور دارند هم ماجراهای جالبی در خود داشت. مثلاً در شب فرار دو افسر نگهبان در زندان قصر بوده‌اند که یکی نگهبان درب اصلی بوده و دیگری نگهبان درب بند. بخشی از قصه افسر نگهبان درب اصلی یعنی حسین قبادی - که سال ۴۳ به ایران برمی‌گردد و همان سر مرز دستگیر و تیرباران می‌شود - در فیلم مطرح می‌شود اما قصه افسر نگهبان بند یعنی رفعت محمدزاده که بعد از فرار، به روسیه می‌گریزد و بعد از انقلاب به ایران برگشته و به عنوان عضو کمیته مرکزی حزب در سال ۶۱ دستگیر و سال ۶۷ اعدام می‌شود در فیلم نیست. در پروسه تحقیق این مسئله برایم جالب بود که دو فرد تأثیرگذار در این فرار یکی قبل از انقلاب و دیگری بعد از انقلاب اعدام شده‌اند. تک‌تک این افراد قصه‌های جالب و سرنوشت‌های تراژیک داشتند. این حرفم مبنای تاریخی یا علمی دقیقی ندارد ولی اگر با اغماض دنیای هنر و سینمای مستند به این موضوع تاریخی نگاه کنیم، این طور به نظر می‌رسد که افرادی که فرار کرده‌اند هر کدام تکه‌ای از داستان حزب توده را برای مان تعریف می‌کنند. نوشین به نوعی، کیانوری یا روزه به شکلی دیگر: فرار، اعدام، تیرباران، تبعید و گاه سرخورده و ناامید به گوشه‌ای خزیدن و